

## ارتباطات محافظه کاری شرطی، اعتبار تجاری با نقش بحران مالی

## عارف خوشرومعینی

۱- گروه حسابداری، موسسه آموزش عالی هانف، زاهدان، ایران. ایمیل: Arefmoini43@gmail.com

## چکیده

طبق استانداردهای حسابداری، هدف اصلی تهیه صورت‌های مالی و افشای اطلاعات فراهم کردن اطلاعاتی مفید در رابطه با وضعیت مالی و نتایج عملیات واحد تجاری برای استفاده‌کنندگان است. این اطلاعات از منابع مختلفی می‌تواند بدست آید. صورت‌های مالی هنگامی شفاف هستند که دارای ویژگی‌هایی از قبیل در دسترس بودن، قابل اتکا بودن، جامع بودن، مربوط بودن و به موقع بودن باشند. صورت‌های مالی بخش اصلی فرآیند گزارشگری مالی را تشکیل می‌دهد. هدف صورت‌های مالی ارائه اطلاعاتی تلخیص و طبقه‌بندی شده درباره وضعیت مالی، عملکرد مالی و انعطاف‌پذیری مالی واحد تجاری است که برای طیفی گسترده از استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی در اتخاذ تصمیمات اقتصادی مفید واقع شود. بنابراین اصول و رویه‌های حسابداری به پشتوانه مراجع تدوین‌کننده استانداردهای حسابداری با هدف متعادل کردن خوشبینی مدیران، حمایت از حقوق ذینفعان و ارائه منصفانه صورت‌های مالی مفهوم محافظه کاری را بکار می‌برند. محافظه کاری در حسابداری، روشی است که طبق آن در واکنش به اخبار بد، شناسایی عایدات و خالص دارایی‌ها کاهش می‌یابد و این در حالی است که در واکنش به اخبار خوب شناسایی عایدات و خالص دارایی‌ها افزایش نمی‌یابد. از سوی دیگر با توجه به تحولات جهان امروز و مشکلات اقتصادی موجود، کشورها جهت حل مشکلات اقتصادی خود به دنبال راهکارهای مناسب هستند. به این منظور یکی از راهکارهای مهم، توسعه سرمایه‌گذاری و افزایش اعتبار تجاری است. از سوی دیگر یکی از راه‌هایی که می‌توان با استفاده از آن به بهره‌گیری مناسب از فرصت‌های سرمایه‌گذاری و تخصیص بهتر منابع در شرایط بحران مالی کمک کرد، شناسایی عواملی است که می‌تواند مشکلات مربوط به بحران مالی را کاهش داد. تحقیق حاضر با هدف بررسی ارتباطات محافظه کاری شرطی، اعتبار تجاری با نقش بحران مالی انجام شده. نتایج حاصل از ادبیات تحقیق و مقالات و تحقیقات مشابه، نشان داد بحران مالی در ارتباط بین محافظه کاری شرطی و اعتبار تجاری نقش معناداری دارد.

واژه‌های کلیدی: محافظه کاری شرطی، اعتبار تجاری، بحران مالی

## ۱- مقدمه

اعتبار تجاری یک منبع تأمین مالی کوتاه‌مدت برای شرکت‌های کوچک و متوسط به‌شمار می‌رود. از دیدگاه قانون، هر قرارداد اعتبار تجاری، توافقی الزام‌آور بین دو طرف است که اجازه می‌دهد خریدار، کالاها و خدمات را قبل از پرداخت وجه آن به تأمین‌کننده، دریافت کرده و اعتبار تجاری را در قالب یک بدهی جاری در ترازنامه درج کند. از دیدگاه تأمین‌کننده، اعتبار تجاری اعطاشده، سرمایه‌گذاری در حساب‌ها و اسناد دریافتنی است و به‌عنوان یک دارایی در ترازنامه ظاهر می‌شود (افلاطونی و نعمتی، ۱۳۹۷). به عقیده بیاییس و گالیر<sup>۱</sup> (۱۹۹۷)، برای شرکت‌هایی که با محدودیت‌های مالی مواجه‌اند، استفاده از اعتبار تجاری در مقایسه با سایر منابع تأمین مالی ساده‌تر است. با این حال، از آنجا که خریداران باید هزینه ضمنی این نوع تأمین مالی را تحمل کنند (مارتینز-سولا و همکاران؛<sup>۲</sup> ۲۰۱۴)، اعتبار تجاری تنها یک انتخاب است و اگر هیچ جایگزین بهتر و ارزان‌تری وجود نداشته باشد، می‌توان از آن بهره برد (دیلوو و ون‌وورفلت؛<sup>۳</sup> ۲۰۰۸). با اینکه پترسون و راجان<sup>۴</sup> (۱۹۹۷) اعتبار تجاری و وام‌های بانکی را منابع مالی جایگزین می‌دانند؛ بورکارت و الینگسن<sup>۵</sup> (۲۰۰۴) این منابع را مکمل (و نه جایگزین) یکدیگر تلقی می‌کنند. عوامل مختلفی بر میزان اعتبار تجاری تأثیر دارند. به باور بیاییس و گالیر (۱۹۹۷) با کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین خریدار و فروشنده، خریدار می‌تواند اعتبار تجاری بیشتری از فروشنده دریافت کند.

از سوی دیگر، اهداف گزارشگری مالی و مبنای حسابداری ایجاب می‌کند اطلاعاتی که گزارشگری مالی فراهم می‌آورد، از ویژگی‌های معینی برخوردار باشد. یکی از این خصوصیات محافظه‌کاری است که از آن با عنوان احتیاط نیز یاد شده است. این که آیا محافظه‌کاری ویژگی مطلوب برای صورت‌های مالی است یا خیر، موضوعی دیرینه در ادبیات حسابداری است (بادآورنهدی و همکاران، ۱۳۹۰). به اعتقاد باسو<sup>۶</sup> (۱۹۹۷) محافظه‌کاری حداقل به مدت ۵۰۰ سال بر روی رویه‌های حسابداری تأثیر گذاشته است. همچنین، استرلینگ<sup>۷</sup> (۱۹۷۰)، محافظه‌کاری را مؤثرترین اصل ارزشیابی در حسابداری می‌داند. پژوهش‌های تجربی اخیر در مورد محافظه‌کاری نشان می‌دهند که نه تنها رویه‌های حسابداری محافظه‌کارانه است، بلکه در کشورهای انگلیسی زبان طی ۳۰ سال گذشته این رویه‌ها محافظه‌کارانه‌تر نیز شده است. این نتایج شگفت‌انگیز با مخالفت صریح بسیاری از قانون‌گذاران بازارهای سرمایه، تدوین‌کنندگان استاندارد و دانشگاهیان روبرو شد، ولی بقای طولانی‌مدت محافظه‌کاری و دوام آوردن آشکار آن در برابر انتقاد، مقتدرانه نشان می‌دهد که منتقدین، منافع بااهمیت آن را نادیده نگذاشته‌اند. اگر قانون‌گذاران و تدوین‌کنندگان استاندارد منتقد، بدون درک منافع محافظه‌کاری در حذف آن تلاش کنند، استانداردهایی ایجاد خواهد شد که به طور جدی برای گزارشگری مالی زیان‌بار است (واتز؛<sup>۸</sup> ۲۰۰۳؛ ۲۰۰۹-۲۰۰۸). همچنین با توجه به پژوهش‌ها و فنک<sup>۹</sup> (۲۰۱۸)، عدم شناسایی به موقع زیان در مقابل سود (محافظه‌کاری شرطی) می‌تواند منجر به تصمیم‌گیری‌های کارآمدتر با توجه به عدم تقارن اطلاعاتی مابین مدیران، سرمایه‌گذاران و ارائه‌سیگنال‌های اولیه در مورد سودآوری پروژه‌هایی که انجام می‌شود، گردد.

کیفیت حسابداری ممکن است تأثیر مثبت یا منفی بر میزان اعتبار تجاری داشته باشد. به‌طور اساسی، اطلاعات مالی به منظور تسهیل معاملات بین تأمین‌کنندگان و مشتریان استفاده می‌شود. به‌ویژه، منبع اصلی رتبه اعتباری که معمولاً تأمین‌کنندگان به اعطای اعتبار تجاری متکی هستند. با این حال، پیش‌بینی می‌شود که احتمالاً تأثیر مثبت بر تأثیر منفی آن چیره شود (انوموتو؛<sup>۱۰</sup> ۲۰۲۰). علاوه بر این، اعتبار تجاری، ارتباطات در شبکه‌های تولید را بیشتر تقویت می‌کند و ریزش ریسک را افزایش

1 Biais and Gollier

2 Martinez-Sola et al.

3 DeLoof and Van Overfelt

4 Petersen and Rajan

5 Burkart and Ellingsen

6 Basu

7 Sterling

8 Watts

9 Ha and Feng

10 Enomoto

می‌دهد. در واقع، با تأمین بیشتر اعتبار تجاری به مشتریان محافظه‌کار، تأمین‌کنندگان می‌توانند ریسک پراکنش را در طول زنجیره تأمین کاهش دهند (ژانگ، ۲۰۲۰). در مجموع، ژانگ (۲۰۲۰)، در پژوهش خود نشان دادند که یک رابطه مثبت بین محافظه‌کاری شرطی و دسترسی شرکت‌ها به اعتبار تجاری چه قبل چه بعد از شروع بحران مالی وجود دارد که این موضوع بیانگر تقاضای تأمین‌کنندگان برای محافظه‌کاری شرطی است.

حال اینکه، بنگاه‌های اقتصادی در محیطی بسیار متغیر و رقابتی فعالیت می‌کنند. واکنش سریع و درست در مقابل شرایط بسیار متغیر بازار، در موقعیت بنگاه‌ها نقش بسزایی دارد. با توسعه بازارهای پولی و مالی و متعاقب آن، حاکم شدن وضعیت رقابتی، بسیاری از شرکت‌ها ورشکسته از گردونه رقابت خارج می‌شوند. بحران مالی و نهایتاً ورشکستگی واحدهای اقتصادی می‌تواند زیان‌های هنگفتی را در سطح خرد و کلان وارد نماید (پورحیدری و کوپائی حاجی، ۱۳۸۹).

تأمین‌کنندگان پس از شروع بحران اتکای خود را در خصوص محافظه‌کاری به منظور نظارت مشتریان کاهش می‌دهند. از یک طرف، به دلیل عدم شفافیت، شرکت‌هایی که محافظه‌کاری کمتری دارند با اصطکاک‌های قابل توجه مالی تحت شوک تأمین اعتبار مواجه می‌شوند (بالاکریشنان و همکاران، ۲۰۱۶)، و آن‌ها انگیزه‌های بالایی برای جستجوی منابع مالی جایگزین دارند. در مقابل، شرکت‌های محافظه‌کار هنوز به وام‌های بانکی دسترسی دارند؛ نقدینگی و فعالیت‌های سرمایه‌گذاری آن‌ها به طور قابل توجهی تحت تأثیر قرار نمی‌گیرند. بنابراین، تأمین‌کنندگان با تقاضای نقدینگی بیشتر از سوی مشتریانی که کمتر محافظه‌کار هستند، مواجه می‌شوند. از طرف دیگر، مزیت اطلاعاتی تأمین‌کنندگان باعث می‌شود تأمین اعتبار تجاری برای مشتریان با محافظه‌کاری کم، ممکن شود. اگر چه تأمین‌کنندگان نمی‌توانند به وقع اطلاعات کسادی را از مشتریان با محافظه‌کاری کم بدست آورند، اما آن‌ها می‌توانند بر اساس معاملات تجاری این مشتریان را رصد کنند (گونگ و لئو، ۲۰۱۸). و بازپرداخت اعتبار تجاری بیشتر اطلاعات اضافی را فراهم می‌کند. بنابراین، انتظار می‌رود که تأمین‌کنندگان تحت شوک تأمین اعتبار، اتکای خود را به محافظه‌کاری کاهش می‌دهند (ژانگ، ۲۰۲۰). در نهایت، ژانگ (۲۰۲۰)، در پژوهش خود نشان دادند که پس از شروع بحران مالی کاهش قابل توجهی در رابطه مثبت بین محافظه‌کاری شرطی و اعتبار تجاری دیده می‌شود. لذا، سوال اصلی این پژوهش آن است که بحران مالی در ارتباطات محافظه‌کاری حسابداری و اعتبار تجاری نقشی دارد؟

## ۲- ادبیات و پیشینه

### ۲-۱- محافظه‌کاری

محققان تاکنون تعاریف گوناگونی از محافظه‌کاری حسابداری ارائه داده‌اند، برخی از آن‌ها مانند (باسو، ۱۹۹۷) محافظه‌کاری حسابداری را این چنین تعریف کرده است "روشی که طبق آن، در واکنش به اخبار بد، شناسایی عایدات و خالص دارایی‌ها کاهش می‌یابد و این در حالی است که در واکنش به اخبار خوب شناسایی عایدات و خالص دارایی‌ها افزایش نمی‌یابد". هیئت استانداردهای حسابداری مالی آمریکا<sup>۵</sup> (FASB) در سلسله مراتب خصوصیات کیفی اطلاعات از محافظه‌کاری حسابداری ذکری به عمل نیاورده، اما در فهرست مفاهیم حسابداری در بیانیه شماره دو، محافظه‌کاری را به عنوان یک میثاق مطرح کرده و آن را واکنشی احتیاط آمیز در مقابل ابهامات موجود تلقی کرده هست (شورورزی و خاندوزی، ۱۳۹۶). کمیته ویژه انجمن حسابداران آمریکا، محافظه‌کاری را شناسایی کمتر دارایی‌ها و اغلب بدهی‌ها در زمان تردید ارزیابی می‌کند.

هیئت استانداردهای حسابداری<sup>۶</sup> (ASB) محافظه‌کاری را در سلسله مراتب خصوصیات کیفی اطلاعات وارد ساخته هست. در سال ۲۰۰۶ میلادی هیأت بین المللی استانداردهای حسابداری<sup>۷</sup> (IASB) و هیأت استانداردهای حسابداری مالی آمریکا (FASB) مقاله مشترک خود را در زمینه چارچوب نظری گزارش‌گری مالی منتشر کرد. هدف از این مقاله، نزدیک کردن

1	Zhang	1
1	Balakrishnan et al	2
1	Gong and Luo	3
1	Basu	4
1	Financial accounting standard board (FASB)	
1	Accounting standards board (ASB)	
1	International accounting standards board (IASB)	

چارچوب نظری FASB و IASB بود. بی‌طرفی یکی از خصوصیات ارائه منصفانه اطلاعات مالی، از نظر کمیته مشترک می‌باشد، و عبارت هست از عدم تمایل به تشخیص قبل از موعد وقایع و یا انگیزه اتخاذ رفتار به‌خصوص در مقابل آن‌ها. کمیته مشترک در مقاله خود، محافظه‌کاری حسابداری را از خصوصیات کیفی گزارش‌گری مالی خارج کرده هست و به نظر می‌رسد که دلیل این امر مغایرتی هست که بین محافظه‌کاری حسابداری و بی‌طرفی وجود دارد (امامی ده چشمه و همکاران، ۱۳۹۹). در کشور ما، کمیته فنی سازمان حسابرسی، در پیوست استانداردهای حسابداری ایران، در بخش مفاهیم نظری گزارش‌گری، محافظه‌کاری را با لفظی دیگر یعنی احتیاط به رسمیت می‌شناسد و آن‌را به‌عنوان یکی از اجزای خصوصیات کیفی قابل اتکا بودن معرفی می‌نماید.

«تهیه‌کنندگان صورت‌های مالی در عین حال باید با ابهاماتی که به گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر بر بسیاری از رویدادها و شرایط سایه افکنده هست برخورد کنند. نمونه این ابهامات عبارت هست از قابلیت وصول مطالبات، عمر مفید احتمالی دارایی‌های ثابت مشهود، تعداد و میزان ادعاهای احتمالی مربوط به ضمانت کالای فروش رفته. چنین مواردی با رعایت احتیاط در تهیه صورت‌های مالی و همراه با افشای ماهیت و میزان آن‌ها شناسایی می‌شود. احتیاط عبارت هست از کاربرد درجه‌ای از مراقبت که در اعمال قضاوت برای انجام برآورد در شرایط ابهام<sup>۸</sup> موردنیاز هست. به گونه‌ای که درآمدها یا دارایی‌ها بیشتر از واقع و هزینه‌ها یا بدهی‌ها کمتر از واقع ارائه نشود. اعمال احتیاط نباید منجر به ایجاد اندوخته‌های پنهانی یا ذخایر غیرضروری گردد، یا دارایی‌ها و درآمدها را عمدتاً کمتر از واقع و بدهی‌ها و هزینه‌ها را عمدتاً بیشتر از واقع نشان دهد، زیرا این امر موجب نقض بی‌طرفی<sup>۹</sup> هست و بر قابلیت اتکای اطلاعات مالی اثر می‌گذارد» (کمیته فنی سازمان حسابرسی، ۱۳۹۱). انتخاب رویه‌های حسابداری متعادلانه توسط مدیریت، ممکن هست مقداری از درجه محافظه‌کاری گزارش‌گری مالی بکاهد، ولی هرگز منجر به این نمی‌شود که صورت‌های مالی به‌طور کامل غیرمحافظه‌کارانه شود و یا حتی نسبت به انتخاب روش‌های محافظه‌کارانه یا غیرمحافظه‌کارانه بی‌تفاوت باشند (گیولی و همکاران، ۲۰۱۷).

## ۲-۲- محافظه‌کاری شرطی و غیرشرطی

در تحقیقات اخیر، محافظه‌کاری را به دو نوع تقسیم کرده‌اند: نوع نخست، محافظه‌کاری پیش‌رویدادی<sup>۱</sup> هست که محافظه‌کاری مستقل از اخبار<sup>۲</sup> و محافظه‌کاری نامشروط<sup>۳</sup> نیز خوانده شده هست. محافظه‌کاری پیش‌رویدادی از به کارگیری آن دسته از استانداردهای حسابداری ناشی می‌شود که سود را به گونه‌ای مستقل از اخبار اقتصادی جاری، می‌کاهد (صالحی و همکاران، ۱۳۹۸). برای مثال، شناسایی بلادرنگ مخارج تبلیغات و تحقیق و توسعه به‌عنوان هزینه، حتی در صورتی که جریان‌های نقدی آتی مورد انتظار آن‌ها مثبت باشد، از این نوع هست. نوع دیگر محافظه‌کاری، محافظه‌کاری پس‌رویدادی<sup>۴</sup> هست که محافظه‌کاری وابسته به اخبار<sup>۵</sup> محافظه‌کاری مشروط و عدم تقارن زمانی سود<sup>۶</sup> نیز خوانده شده هست. محافظه‌کاری پس‌رویدادی به مفهوم شناسایی به موقع‌تر اخبار بد نسبت به اخبار خوب در سود هست. برای مثال قاعده‌ی اقل بهای تمام شده یا ارزش بازار، حذف سرقفلی در پی انجام آزمون کاهش ارزش و شناسایی نامتقارن زیان‌های احتمالی در مقابل سودهای احتمالی، از این نوع هستند (جبارزاده، ۱۳۹۴).

1	Uncertainty	8
1	Neutrality	9
2	Gioly	0
2	Ex Ante Conservatism	1
2	News-Dependent Conservatism	
2	Unconditional Conservatism	3
2	Ex Past Conservatism	4
2	News-Dependent Conservatism	
2	Asymmetric Income Timeliness	

محافظه‌کاری مشروط برای اولین بار توسط باسو<sup>۷</sup>(۱۹۹۷) به عنوان جنبه‌ای مهم از محافظه‌کاری مطرح گردید. انگیزه اصلی برای محافظه‌کاری نامشروط، سختی ارزیابی دارایی‌ها و بدهی‌ها هست و انگیزه اصلی برای محافظه‌کاری مشروط، خنثی کردن انگیزه‌های مدیران برای گزارش‌گری اطلاعات حسابداری دارای جانب‌داری رو به بالا در مواقعی که رویدادهای نامناسب اتفاق افتاده، می‌باشد. انگیزه‌های مشابهی نیز برای این دو نوع محافظه‌کاری وجود دارد. برای مثال، تابع زیان نامتقارن<sup>۸</sup> سرمایه‌گذاران موجب می‌شود اثر منفی که آن‌ها از سود کسب می‌کنند کمتر از آسیب‌هایی باشد که از زیانی با اهمیت مشابه می‌بینند. این دو، مفاهیم مشابهی نیز دارند که مهم‌تر از همه، فزونی ارزش بازار خالص دارایی‌ها به ارزش دفتری آن‌ها هست (جبارزاده، ۱۳۹۴).

بیور و رایان<sup>۹</sup> اظهار کرده‌اند که محافظه‌کاری پیش‌رویدادی در دوره‌های قبلی، پیش انجام محافظه‌کاری پس‌رویدادی دوره‌های بعدی هست. یعنی، اگر شرکتی در هزینه کردن مخارجی در یک دوره محافظه‌کاری پیش‌رویدادی داشته باشد، در ترازنامه‌اش چیزی به حساب دارایی منظور نشده تا در آینده، در پاسخ به اخبار بد کاهش دهد. به بیان ساده، اگر محافظه‌کاری پیش‌رویدادی منجر به عدم شناسایی یک دارایی در دوره‌های گذشته شده باشد، اخبار بد ناشی از کاهش ارزش این دارایی نمی‌تواند در سود دوره جاری شناسایی شود. در مقابل، فرض کنید شرکتی دارای محافظه‌کاری پیش‌رویدادی نیست و مخارجی را در یک دوره به‌عنوان دارایی ثبت نماید؛ پس اگر در یکی از دوره‌های آتی اخبار بد درباره منافع این دارایی ایجاد شود، انتظار بر این هست که در آن دوره، بر مبنای حسابداری کاهش ارزش دارایی، محافظه‌کاری پس‌رویدادی مشاهده شود (پائی و جین-هان، ۲۰۱۵).

### ۲-۳- اعتبارات تجاری

اعتبار تجاری یک منبع مهم تامین مالی سرمایه در گردش و از منابع تامین مالی بیرونی است. این اعتبار کوتاه مدت توسط تامین‌کنندگان کالا و خدمات در دوره‌های عادی کسب و کار به منظور افزایش فروش به خریداران اعطا می‌گردد، معمولاً بدون وثیقه بوده و بهره به آن تعلق نمی‌گیرد. در حقیقت اعتبار تجاری توافقی است که بر مبنای آن یک مشتری می‌تواند کالایی را به حساب (بدون پرداخت پول) خریداری نماید و مبلغ آن را در تاریخی پس از تاریخ خرید به فروشنده بپردازد (رمضانی و همکاران، ۱۳۹۹). اعتبار تجاری در اصل اعتباری است که یک شرکت برای خرید کالا و خدمات به شرکت دیگر می‌دهد. بنابراین مدت زمان اعتبار (چند روزی که به مشتری فرصت داده می‌شود تا بدهی خود را بپردازد) براساس رویه رایج در آن صنعت و با توجه به نحوه عملکرد رقبای تجاری تعیین می‌گردد. در هر حال شرکت باید برای هر مشتری حداکثر سقف اعتباری را تعیین کند (فقیه زاده و میرزایی، ۱۳۹۸). زمانی که شرکتی از طریق افزایش اعتبار به مشتریان، کالاهای خود را به فروش می‌رساند، حساب‌های دریافتی شرکت (که بخشی از دارایی جاری در ترازنامه است) افزایش می‌یابد. زمانی بدهی به وجود می‌آید که شرکت با استفاده از اعتبار تجاری کالایی را بخرد و آن را در حساب‌های پرداختی (در ترازنامه شرکت) ثبت کند.

در شرایط اعتبار، نکات زیر مشخص می‌گردد:

(۱) زمان شروع دوره اعتبار: غالباً زمان شروع دوره اعتبار را تاریخ فاکتور می‌نامند. زمانی که شرکتی در طی یک ماه چندین نوبت خرید می‌کند، شرکت فروشنده ممکن است تاریخ همه فروش‌ها را پایان ماه تعیین کند. یعنی آخرین روز ماهی که چندین نوبت خرید در آن صورت گرفته است را تاریخ شروع دوره اعتبار در نظر بگیرد.

(۲) زمان پرداخت خالص صورتحساب: این دوره که بر حسب روز بیان می‌شود، مدت‌زمانی است که به خریدار داده می‌شود تا خالص یا کل مبلغ صورتحساب را بپردازد.

2 Basu	7
2 Asymmetric Loss Function	8
2 Beaver & Ryan	9
3 Pae, Jinhan	0

۳) تخفیفات نقدی: گاهی اوقات شرکت فروشنده، درصد معینی از صورتحساب خریدارهایی که وجوه کالاهای خریداری شده را سریعاً پرداخت می‌کنند، به عنوان تخفیف کسر می‌کند (جهانخانی و پارسیان، ۱۳۸۶).

همان‌طور که گفته شد، اعتبار تجاری از جمله منابع تأمین مالی و هم‌زمان است و نشان‌دهنده یکی از اشکال مهم اعتبار بازرگانی است. اعتبار تجاری در زمانی به شرکت خریدار داده خواهد شد که شرکت فروشنده برای خریدار یک خط اعتبار باز کرده باشد. این‌گونه اعتبارات به صورت غیر رسمی به خریداران داده می‌شود و معمولاً بدون دریافت وثیقه و با تضمین است. استفاده کردن از اعتبارات تجاری از جمله روش‌هایی است که شرکت‌ها بدان وسیله برای دوره‌های کوتاه‌مدت تأمین مالی می‌کنند (صابرنوچمنی، ۱۳۹۰).

## ۲-۴- انواع اعتبار تجاری

به‌طور کلی سه نوع اعتبار وجود دارد:

۱) اعتبار مصرفی که رسمی یا به‌طور غیررسمی از سوی مغازه‌داران مؤسسات مالی و دیگران برای خرید کالاهای مصرفی در اختیار مردم عادی قرار می‌گیرد.

۲) اعتبار تجاری که مثلاً عرضه‌کنندگان مواد اولیه به کارخانه‌داران و آنها نیز به عمده‌فروشان و خرده‌فروشان واگذار می‌کنند. در عمل تمام مبادلات در بخش‌های صنایع خدمات و تجارت بر اساس اعتبار انجام می‌شود و بنگاه‌ها ممکن است بهره‌ناچیزی نیز برای تسویه حساب‌ها مثلاً در مدت یک ماه بپردازند. اعتبار بانکی یا وام و اضافه برداشت که بانک‌ها در اختیار مشتریان خود قرار می‌دهند یک نوع اعتبار است.

۳) اعتبار به تولیدکننده امکان پر کردن خلأ زمانی بین تولید و فروش کالا و به مصرف‌کننده امکان مصرف پیش از دریافت درآمد را می‌دهد. اعتبارات بانکی و غیر بانکی بخشی از عرضه پول را تشکیل می‌دهند و از اهمیت اقتصادی بسیاری برخوردارند. بنابراین دولت‌ها به هنگام افزایش قیمت‌ها برای مهار رشد تقاضا به محدود کردن اعتبارات یا اعمال سیاست انقباض اعتبار روی می‌آورند (مرادی، ۱۳۹۵).

## ۲-۵- ارتباط محافظه کاری حسابداری و اعتبار تجاری

محیطی که شرکت‌ها در آن فعالیت می‌کنند در حال رشد و بسیار رقابتی است. در چنین محیطی شرکت‌ها برای حفظ بقای خود ناگزیر به رقابت با عوامل متعددی در سطح ملی و بین‌المللی هستند. بدین جهت، باید فعالیت‌های خود را از طریق سرمایه‌گذاری‌های جدید گسترش دهند. اما ممکن است منابع داخلی شرکت برای تأمین سرمایه لازم برای سرمایه‌گذاری جدید کافی نباشد و شرکت ملزم به تأمین مالی از منابع برون شرکتی شود. در این حالت، اعتباردهندگان، میزان اعتبار و توان بازپرداخت اصل و بهره تسهیلات اعطایی به شرکت‌ها را به منظور افزایش شناخت نسبت وضعیت و توان مالی آن‌ها معین می‌کنند. به عبارت ساده‌تر، اعتباردهندگان، شرکت‌ها را از نظر توان بازپرداخت بدهی رتبه‌بندی می‌کنند (غفوریان شاگردی و ندافی خلیل آباد، ۱۳۹۶). در واقع اعتباردهندگان با استفاده از این رتبه‌بندی اقدام به اتخاذ تصمیم در مورد اعطای اعتبار به شرکت‌ها می‌کنند. در این صورت تسهیلات به شرکت‌هایی اعطا می‌شود که از توان بازپرداخت بدهی بیشتری برخوردار بوده و احتمال بازپرداخت بدهی آن در موعد مقرر بیشتر باشد. اگر توان بازپرداخت شرکتی پایین ارزیابی شود، اعتباردهندگان به شرکت اعتماد لازم را نداشته و برای اعطای تسهیلات نرخ بهره بالاتری را خواستار می‌شود. در نتیجه، شرکت‌ها عموماً نگران وضعیت اعتباری خود هستند. این نگرانی از این بابت است که اولاً مبادا شرکت در پرداخت اصل و فرع بدهی‌هایش ناتوان و با بحران مالی رو به رو شود. ثانیاً اینکه مبادا تصمیمات اعتباری امروز شرکت، انعطاف‌پذیری مالی فردای شرکت را به خطر اندازد. این عوامل باعث افزایش تضاد منافع بین مدیران و اعتباردهندگان می‌شود؛ زیرا اعتباردهندگان همواره نگران وصول اصل و فرع وام‌های اعطایی به شرکت بوده و از طرف دیگر ممکن است مدیران شرکت‌ها نیز برای جلب نظر مساعد اعتباردهندگان وضعیت مطلوبی از سودآوری شرکت را به نمایش بگذارند تا ضمن جذب سرمایه لازم بتواند هزینه بدهی را کاهش دهد. در این بین محافظه کاری حسابداری به عنوان یکی از ویژگی‌های اساسی گزارشگری مالی از طریق عامل قراردادی که مهمترین تفسیر از محافظه کاری است از منافع اعتباردهندگان در برابر فرصت طلبی‌های مدیر محافظت می‌کند. خالیو و

اوسما<sup>۱</sup>(۲۰۲۰) مفهوم محافظه‌کاری مشروط را به این صورت بیان می‌کند که اخبار خوب (اطلاعاتی که گویای افزایش سودهای آتی باشند) دیرتر از اخبار بد (اطلاعاتی که گویای کاهش سودهای آتی باشند) در صورت‌های مالی شناسایی می‌شوند. به طور کلی اصول حسابداری شناسایی کاهش یا اخبار بد موجودی کالا، سرقفلی و زیان‌های احتمالی و درآمد پیمانکاری را ایجاب می‌کند؛ اما شناسایی افزایش ناشی از اخبار خوب را منع می‌کند. این نوع محافظه‌کاری بیشتر برای جلوگیری از بزرگ-نمایی سود توسط مدیران اتخاذ می‌شود و مانع بیشتر گزارش شدن سودها در شرایط نامساعد خواهد شد. در نتیجه طبق مبانی نظری هر چه محافظه‌کاری بیشتر باشد اعتماد برای اعطای اعتبار تجاری از سوی اعتباردهندگان بیشتر خواهد شد.

## ۲-۶- بحران مالی

به طور کلی "بحران مالی به موقعیتی اطلاق می‌شود که طی آن و در نتیجه یورش به بازار ارز، پول رایج کشور شدیداً با کاهش ارزش مواجه می‌شود و یا ذخایر بین‌المللی شدیداً کاهش می‌یابد و یا ترکیبی از این دو اتفاق رخ می‌دهد (نادری، ۱۳۸۶). تعریف این بحران طیف گسترده‌ای از بحران‌های پیش‌آمده در متغیرهای مالی را در بر می‌گیرد. بحران مالی می‌تواند ناشی از ایجاد اختلال در یکی از مبادی بخش مالی اقتصاد بوده و به دلیل وجود ارتباطات و روابط مالی با سایر متغیرهای مالی و بخش واقعی اقتصاد سرایت نماید. بحران بازار سهام، تراز پرداخت‌ها، ورشکستگی بانک‌ها و شرکت‌های بیمه، تغییرات شدید نرخ ارز و کاهش ارزش پول رایج یک کشور بحران‌های قابل مثال در این حوزه می‌باشند. غالباً در پژوهش‌های انجام‌شده از بحران‌های بانکی و بحران‌های پول رایج یا ترکیبی از هر دو به عنوان بحران مالی نام برده‌اند. همچنین در بعضی از تحقیقات، نرخ کاهش ارزش پول رایج را به عنوان شاخص تعیین رخداد بحران مالی در نظر گرفته‌اند. در این وضعیت گاه رفتارهای عامل‌های اقتصادی در نحوه برخورد تغییر داری‌های خود از پول رایج کشور با سایر اسعار منجر به بروز بحران مالی می‌گردد. به این ترتیب که سرمایه‌گذاران به دلیل آنکه دولت بر مقابله با کسر بودجه خود و تأمین مالی اقدام به افزایش عرضه پول از طریق چاپ پول و یا افزایش نرخ مالیات نموده و یا سعی در کاهش ارزش پول کشور با جهت‌گیری افزایش صادرات کشور دارد، اقدام به تغییر داری‌های نقدی خود به اسعار دیگری (خارجی) را دارند. از طرف دیگر کاهش ارزش پول به دلیل فشار بازار برای افزایش نرخ ارز ایجاد می‌گردد. به دلیل اینکه کشور یا نمی‌تواند یا نمی‌خواهد که هزینه تضمین پول خود را تحمل نماید. در این صورت بانک مرکزی برای ابقاء در نرخ ارز می‌خکوب پایین‌تر مجبور به فروش پول رایج در ازای ذخایر خارجی می‌گردد. اگر بانک مرکزی از ذخایر خارجی تهی گردد دولت باید اجازه شناور شدن نرخ ارز را بدهد. در این صورت کالاها و خدمات داخلی از کالاها و خدمات خارجی ارزان‌تر خواهد شد. کاهش ارزش پول مرتبط با هجوم سفته‌بازی موفق می‌تواند دلیل کاهش خروجی‌ها (کالاها و خدمات) تورم و شکست در بازارهای مالی داخلی و خارجی شود. در این وضعیت به دلیل ارتباطات بازارها با یکدیگر ایجاد بحران در سایر مراجع مالی انکارناپذیر خواهد بود (برازنده تنها، ۱۳۹۹).

## ۲-۷- شاخص‌های تشخیص بحران مالی

به‌طور عام حداقل سه مشخصه بارز برای نظارت مستمر بر بنگاه که محتمل ورود به بحران مالی است تعریف می‌شود. نرخ بدهی، مدل‌های پیش‌بینی آماری و قیمت‌های بازار سهام. در ادامه هر یک از این شاخص‌ها به‌طور خلاصه مورد بحث و بررسی قرار خواهند گرفت ولی باید توجه نمود که به دلایل ذیل، بررسی هر یک از این شاخص‌ها به‌تنهایی کارکرد محدودی دارند: اول اینکه امور مربوط به سرمایه‌گذاری تنها مربوط به خود شرکت نیست بلکه با مقادیر واقعی دارای پتانسیل اوراق بهادار شرکت در بازار مرتبط است. دوم اینکه این شاخص‌ها به‌طور خاص و ویژه برای کمک به سرمایه‌گذاران به‌منظور تشخیص وضعیت مستعد بحران جهت‌گیری نشده‌اند. شاخص‌های قیمت و نرخ بدهی تا حدودی می‌توانند تعیین نمایند که اتفاق ناخوشایند در حال رخ دادن است یا خیر؟ پیش‌بینی واقعی از اینکه وضعیت یک سازمان رو به وخیم‌شدن است، معمولاً با توجه و تمرکز ویژه بر روی سازمان مدنظر به دست خواهد آمد. دوم، رتبه‌بندی یک سازمان بهترین تخمین از زمان حال و به‌طور پیش‌فرض است و در مورد ارزش نسبی در سطوح مختلف تجارت و زمان‌های مختلف چیزی نمی‌گوید؛ بنابراین، یک شرکت که به احتمال زیاد نمی‌تواند به تعهدات مالی خود عمل کند، می‌تواند بدهی خود را کاهش داده و به سطوح بسیار پایین برساند

گرچه حتی ممکن است بخشی از آن به خوبی و با احتمال بسیار بالا بازپرداخت (به همراه سود موردنظر) شود. در نتیجه، رتبه‌بندی نقش نسبتاً محدودی در شناسایی فرصت‌های سرمایه‌گذاری و یا شناسایی روند ورود به آشفستگی مالی را ایفا می‌کند. در نهایت، مؤسسات رتبه‌بندی غالباً تغییرات در وضعیت مالی و اقتصادی یک شرکت را به آهستگی تنظیم و به‌روز می‌کنند (ربیع زاده و محمدی، ۱۳۹۳).

۱- نرخ بدهی: مهم‌ترین و قابل‌دسترس‌ترین شاخص تشخیص بحران مالی و رو به وخامت گذاشتن اوضاع یک سازمان، رتبه‌بندی اعتباری است که معمولاً توسط سازمان‌های بین‌المللی رتبه‌بندی انجام می‌گیرد. عمده سرمایه‌گذاران در حیطه سرمایه‌گذاری تقریباً به اطلاعات منتشرشده توسط این شرکت‌ها اعتماد می‌کنند. معمولاً به این صورت است که مقیاس ارزش‌گذاری اوراق سرمایه‌گذاری توسط شرکت‌های رتبه‌بندی بین‌المللی و فارغ از سایر شاخص‌های کیفی اعتباری (نظیر نسبت اهرمی، نسبت پوششی و ...) انجام گیرد، نظیر AAA جابجا شدن رتبه مذکور معمولاً با ریسک افزایش بحران مالی همراه است. علاوه بر این تا زمانی که اوراق بهادار یک سازمان در دسته‌بندی مذکور معامله می‌شوند و قیمت بازار اوراق یکسان نیست نشان‌دهنده تأثیرگذاری سایر ویژگی‌های سازمان (علاوه بر رتبه) بر قیمت است (ربیع زاده و محمدی، ۱۳۹۳). معمولاً شرکت‌های رتبه‌بندی نسبت به خود بازار، ارزیاب‌های بهتری هستند زیرا به اطلاعات بهتر و مهم‌تری دسترسی دارند که سازمان‌ها از افشای آن در بازار خودداری می‌کنند. در طی فرآیند رتبه‌بندی این اطلاعات برجسته از مدیریت ارشد سازمان درخواست می‌شود که خودداری از ارائه آن دارای تبعات منفی در رتبه اعتباری سازمان است و عمده سازمان‌ها تمایل زیادی به ارائه آن به شرکت‌های رتبه‌بندی اعتباری دارند.

۲- مدل‌های پیش‌بینی: اگرچه تعداد زیادی مدل پیش‌بینی آماری وجود دارد، شناخته‌شده‌ترین مدل توسط پروفیسور ادوارد آلتمن پژوهشگر دانشگاهی پیشرو در زمینه بحران و ورشکستگی مالی ارائه شده است. او مدل پیش‌بینی چند متغیره‌ای را در سال ۱۹۶۸ به نام مدل Z-SCORE ارائه نمود. هدف از این مدل استفاده نسبت‌های حسابداری مختلف و داده‌های قیمت بازار برای پیش‌بینی بحران مالی پیش رو و در نهایت ورشکستگی بود. او مدل اصلی خود را که براساس داده‌های سال‌های ۱۹۶۵-۱۹۴۶ بود، در سال ۱۹۹۳ به‌روز کرد و مجموعه اطلاعات کامل‌تر و مفاهیم قانون ورشکستگی سال ۱۹۷۸ را به آن اضافه نمود (ربیع زاده و محمدی، ۱۳۹۳).

۳- قیمت‌های بازار: آخرین شاخص برای تشخیص بحران مالی، قیمت بازار است. مطالعات متعدد به خوبی نشان می‌دهد که چگونه قیمت تاریخی سهام یک سازمان منعکس‌کننده چشم‌انداز درآمد آن در آینده است، ولی مطالعات زیادی برای نشان دادن تأثیر میزان بدهی بر آستانه ورود یک سازمان به آشفستگی مالی و ایجاد مطالبات معوق وجود ندارد (غلام زاده، ۱۳۹۹).

## ۲-۸- سوابق تحقیق

حسین بی زوال (۱۳۹۹) پژوهشی عنوان «بررسی تأثیر محافظه کاری شرطی و سیاست‌های پولی انقباضی بر اعتبار تجاری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران» رابه انجام رساند. نتایج حاصل از آزمون این فرضیه‌ها نشان داد که اولاً محافظه کاری شرطی بر روی اعتبار تجاری شرکت‌ها تأثیر منفی و معنی داری دارد. دوماً اندازه شرکت بر رابطه بین محافظه کاری شرطی و اعتبار تجاری شرکت‌ها تأثیر منفی و معنی داری دارد. وسوم این که سیاست پولی انقباضی هیچ نوع تأثیری بر رابطه بین محافظه کاری شرطی و اعتبار تجاری شرکت‌ها ندارد. پیفیه و همکاران (۱۳۹۸) پژوهشی با عنوان «بررسی اثر سوگیری قضاوتی مدیران بر ارتباط بین محافظه کاری حسابداری و اعتبار تجاری شرکت‌ها» را انجام دادند. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین محافظه کاری حسابداری و اعتبار تجاری رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. سوگیری قضاوتی مدیران نیز بر ارتباط بین محافظه کاری حسابداری و اعتبار تجاری شرکت‌ها تأثیر معنادار داشته و رابطه آن‌ها را ضعیف می‌کند. یزدان‌خواه (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «رابطه بین رقابت در بازار محصول و اعتبار تجاری در شرایط بحران مالی» به بررسی نمونه‌ای متشکل از ۱۰۲ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان داد که بین رقابت در بازار محصول و اعتبار تجاری رابطه منفی و معناداری وجود دارد. در واقع، با افزایش سطح رقابت در بازار محصول، اعتبار تجاری کاهش یافته است. در ادامه، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بحران مالی اثر معناداری بر رابطه بین رقابت



بازار محصول و اعتبار تجاری ندارد. محمدپور (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «رابطه بین نوسانات جریان نقد و اعتبار تجاری شرکت‌ها با تأکید بر حجم معاملات شرکت» به بررسی رابطه بین نوسانات جریان نقد و اعتبار تجاری شرکت‌ها با تأکید بر حجم معاملات شرکت پرداختند. نتایج حاصل از فرضیات پژوهش نشان داد که بین نوسانات جریان نقد و اعتبار تجاری شرکت‌ها رابطه معکوس و معنادار دارد. ولی، حجم معاملات شرکت بر رابطه بین نوسانات جریان نقد و اعتبار تجاری شرکت‌ها تأثیر مستقیم و معنادار دارد. سالار خیابانی و همکاران (۱۳۹۷) پژوهشی با عنوان «تأثیر بیش اعتمادی مدیریت بر رابطه اعتبار تجاری و محافظه کاری حسابداری با بحران مالی شرکت‌ها» انجام دادند. نتیجه تحقیق حاکی از این بود که بین اعتبار تجاری و محافظه کاری حسابداری با بحران مالی رابطه معنی داری وجود دارد و بیش اعتمادی مدیریت بر رابطه اعتبار تجاری و محافظه کاری حسابداری با بحران مالی شرکت‌ها تأثیر معنی داری دارد.

غفوریان شاگردی و ندافی خلیل آباد (۱۳۹۶) پژوهشی با عنوان «ارتباط بین محافظه کاری شرطی در حسابداری و اعتبار تجاری» را انجام دادند. نتایج حاکی از آن است که بین محافظه کاری حسابداری و اعتبار تجاری رابطه منفی و معنادار وجود دارد و در نتیجه فرضیه مورد بحث در پژوهش رد گردید. ژانگ (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان «محافظه کاری شرطی و اعتبار تجاری در طول بحران مالی جهانی» به این نتیجه رسیدند یک رابطه مثبت بین محافظه کاری شرطی و دسترسی شرکت‌ها به اعتبار تجاری قبل از شروع بحران مالی وجود دارد که این موضوع بیانگر تقاضای تأمین‌کنندگان برای محافظه کاری شرطی است. در همین حال، پس از شروع بحران مالی کاهش قابل توجهی در رابطه بین محافظه کاری شرطی و اعتبار تجاری دیده می‌شود. با تمرکز روی اعتبار تجاری ابتدا رابطه مثبت بین محافظه کاری مشروط و دسترسی شرکت‌ها به اعتبار تجاری را قبل از شروع بحران، که نشان دهنده تقاضای تأمین‌کنندگان برای محافظه کاری مشروط است، ثبت شد. در همین حال، ارتباط بین محافظه کاری مشروط و اعتبار تجاری پس از شروع بحران، افت قابل توجهی را تجربه کرد و این تنها در شرایطی صورت می‌گیرد که تأمین‌کنندگان و مشتریان معاملات مکرر داشته باشند یا در مجاورت هم باشند. انوموتو (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان «تأثیر حاکمیت شرکتی بر رابطه بین کیفیت حسابداری و اعتبار تجاری: شواهدی از ژاپن» به بررسی نمونه‌ای متشکل از ۲۷۷۹۴ مشاهده سال-شرکت طی دوره زمانی ۲۰۱۶-۲۰۰۱ پرداختند. یافته‌ها حاکی از آن است که پیوند نزدیک با سهامداران متقابل و پایدار منجر به کاهش اهمیت اطلاعات حسابداری از طریق اشتراک اطلاعات خصوصی می‌شود. نتایج نشان داد که اعتبار تجاری با کیفیت حسابداری افزایش می‌یابد. علاوه بر این مالکیت نهادی رابطه کیفیت حسابداری و اعتبار تجاری را ضعیف می‌کند. شو و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان «تأثیر مسئولیت اجتماعی شرکت بر اعتبار تجاری: شواهدی از شرکت‌های تولیدی متوسط و کوچک چینی» به این نتیجه رسیدند که عملکرد مسئولیت اجتماعی شرکت با اعتبار تجاری رابطه U شکل دارد. علاوه بر این، نتایج نشان داد که اندازه شرکت و منابع مالی این رابطه منحنی شکل را به‌طور منفی تعدیل می‌کند.

### ۳- نتیجه گیری

ویژگی کیفی اطلاعات حسابداری، نقش انکارناپذیری در ارتقای کیفیت اطلاعات صورت‌های مالی دارند. یکی از ویژگی‌های کیفی اطلاعات حسابداری، محافظه کاری حسابداری است. مطابق مبانی نظری گزارشگری مالی استانداردهای ملی حسابداری، محافظه کاری حسابداری، یکی از ویژگی‌هایی است که باعث ارتقای قابلیت اطلاعات حسابداری می‌شود. از این رو، ادعا می‌شود که محافظه کاری حسابداری نقش بااهمیتی در سودمندی اطلاعات برای تصمیم‌گیری و به‌ویژه ارزیابی وظیفه مباشرت مدیر داشته باشد. قانون‌گذاران بازارهای سرمایه، تدوین‌کنندگان استانداردها و دانشگاهیان، محافظه کاری را به این دلیل انتقاد می‌کنند که این ارائه کمتر از واقع در دوره جاری باعث ارائه کمتر از واقع هزینه‌های دوره‌های آتی و از این رو باعث ارائه بیش از واقع سود در دوره‌های آتی می‌شوند. اما APB (هیئت تدوین اصول حسابداری) محافظه کاری را برای یک میثاق تعدیل‌کننده حسابداری مالی در بیانیه شماره ۴ فهرست‌بندی کرده است و بیان می‌کند که دارایی‌ها و بدهی‌ها اغلب در یک شرایط نامشخص ارزیابی می‌شوند و بنابراین حسابداران با رعایت احتیاط پاسخ می‌دهند.

محافظه‌کاری به عنوان یکی از ویژگی‌های کیفی اطلاعات حسابداری سابقه‌ای دیرینه در حسابداری دارد که به نظر واتر (۲۰۰۳) در سال‌های اخیر، کیفیتی چشمگیر و غالب در عرصه حسابداری و گزارش‌های مالی بوده است. توجه پیوسته و مستمر به مفهوم مزبور و اهمیت دادن به آن در تدوین استانداردهای حسابداری می‌تواند نشان‌دهنده آن باشد که بکارگیری و اعمال محافظه‌کارانه از ویژگی فزونی منافع بر مخارج برخوردار است. مدت‌هاست که بر کمی‌کردن ویژگی‌های کیفی اطلاعات حسابداری تأکید شده است، اما تاکنون کوشش چندانی برای بررسی منافع و مضار حاصل از اعمال محافظه‌کاری انجام نشده است.

از طرفی، اعتبار تجاری مهم‌ترین منبع تأمین مالی کوتاه‌مدت می‌باشد. عرضه‌کنندگان به‌عنوان فراهم‌کنندگان منابع مالی کوتاه‌مدت، زمانی که می‌خواهند به مشتریان خود اعتبار تجاری بدهند، چندین جنبه مهم از جمله حاشیه سود حاصل از فروش اضافی به صورت نسبی، توانایی شرکت مشتری برای پرداخت به‌موقع تعهدات تجاری خود و وضعیت مالی بلندمدت شرکت مشتری را در نظر می‌گیرند. وقتی عرضه‌کنندگان به صورت اعتباری به مشتریان خود کالا می‌فروشند، حاشیه سود مؤثر می‌تواند کمتر از حاشیه سود اسمی باشد. زیرا در چنین حالتی به دلیل ارزش زمانی پول، قیمت فروش مؤثر محصولات کاهش می‌یابد. علاوه بر این، دادن اعتبار به مشتریان از سوی عرضه‌کنندگان، در واقع همانند دادن وام به مشتریان می‌باشد. اما بدون اینکه بهره‌ای دریافت گردد. وضعیت مالی بلندمدت مشتریان نیز، هنگامی که عرضه‌کنندگان قصد دارند ارتباط بلندمدتی با آنها داشته باشند، اهمیت بسیار زیادی دارد (ایزدی‌نیا و طاهری، ۱۳۹۵).

در سطح کلان، بحران مالی شرکت‌ها سبب کاهش تولید ناخالص داخلی، افزایش بیکاری، اتلاف منابع کشور و نظایر آن می‌شود. در سطح خرد نیز ذی‌نفعان و بنگاه‌های اقتصادی، نظیر سهامداران، سرمایه‌گذاران بالقوه، اعتباردهندگان، مدیران، کارکنان، عرضه‌کنندگان مواد اولیه و مشتریان متحمل زیان می‌شوند و خسارت قابل توجهی می‌تواند به این گروه‌ها وارد شود. با توجه به این‌که بحران مالی هزینه‌هایی را بر کلیه ذی‌نفعان شرکت (اعتباردهندگان، مالکان، سرمایه‌گذاران و یا حتی دولت و ...)، تحمیل می‌کند. شناسایی عوامل مؤثر بر کاهش بحران مالی می‌تواند، مانع متحمل شدن این‌گونه هزینه‌ها شود. به‌طور کلی شناسایی عواملی که بحران مالی شرکت‌ها را کاهش دهند و مانع ورشکستگی آن‌ها شود اهمیت زیادی دارد و می‌تواند نقطه عطفی برای این شرکت‌ها باشد. نتیجه، به منظور اجتناب از زیان‌های هنگفتی که به واسطه بحران مالی پدید می‌آید، لازم است مطالعات زیادی در این زمینه صورت گیرد (پورحیدری و کوپائی حاجی، ۱۳۸۹).

#### ۴- پیشنهادات

۱- با توجه به اینکه یکی از مزایای محافظه‌کاری افزایش اعتبار شرکت نزد تأمین‌کنندگان و مشتریان می‌باشد و این مساله در دوره اتخاذ سیاست‌های پولی انقباضی بیشتر به چشم آمده، شرکت‌ها باید در انتخاب روش‌های حسابداری، اهمیت محافظه‌کاری را در نظر بگیرند و به تأمین‌کنندگان و مشتریان شرکت‌ها پیشنهاد می‌شود در هنگام ارائه اعتبار تجاری به مساله محافظه‌کاری حسابداری در شرکت‌ها، شاخص‌های مبتنی بر اطلاعات حسابداری، نوع مالکیت و سهم بازار فروش آن‌ها توجه نمایند.

۲- محافظه‌کاری حسابداری می‌تواند رفتار جانبدارانه مدیر را در بیش‌نمایی سود خنثی و به تأخیر اندازد. در نتیجه پرداخت‌های اضافی به مدیر و سایر گروه‌ها نظیر سهامداران، محدود و ارزش شرکت نیز در بلندمدت افزایش می‌یابد به سرمایه‌گذاران در بورس اوراق بهادار تهران توصیه می‌شود تا سیاست‌های اتخاذی شرکت‌ها در خصوص تأمین مالی و اعتبار تجاری را به دقت و در طی زمان مد نظر قرار داده و تجزیه و تحلیل نمایند و همچنین عوامل تاثیرگذار بر روی آن را که در این تحقیق نیز به آن اشاره شده است را در نظر گرفته و آن را در تصمیم‌گیری خود مد نظر قرار دهند.

۳- به سازمان بورس اوراق بهادار به عنوان نهاد ناظر بر شرکت‌ها و هیات تدوین استانداردهای حسابداری پیشنهاد می‌شود تا زمینه لازم را در جهت اعتبار سنجی شرکت‌ها و افشای اطلاعات مربوط به منظور بهره‌برداری بهتر استفاده‌کنندگان از اطلاعات مذکور در تصمیم‌گیری‌های خود فراهم نمایند.

## منابع

- . افلاطونی، عباس؛ نعمتی، مرضیه. (۱۳۹۷). نقش کیفیت گزارشگری مالی و کیفیت افشا در افزایش اعتبار تجاری: رویکرد متغیرهای ابزاری. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۵، شماره ۱، صص. ۲۰-۱.
- امامی ده چشمه، سعید و خدادادی، ولی و نصیری، سعید و بصیرت، مهدی، ۱۳۹۹، محافظه‌کاری شرطی و شاخص‌های اخبار بد غیرتجمعی در مدل‌های تعهدی
- ایزدی‌نیا، ناصر؛ طاهری، مسعود. (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین کیفیت اطلاعات حسابداری و اعتبار تجاری. پژوهش‌های تجربی حسابداری، دوره ۵، شماره ۱۹، صص. ۸۱-۱۰۱.
- بادآورنهدی، یونس؛ برادران حسن‌زاده، رسول؛ محمودزاده باغبانی، سعید. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین برخی مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی و محافظه‌کاری در گزارشگری مالی. تحقیقات حسابداری (بهار)، شماره ۹، صص. ۱۴۵-۱۳۰.
- برازنده تنها، غلامرضا، ۱۳۹۹، تاثیر بحران مالی و گزارشگری مالی، ششمین کنفرانس بین‌المللی علوم مدیریت و حسابداری، تهران
- پورحیدری، امید. و کوپائی حاجی، مهدی. (۱۳۸۹). پیش‌بینی بحران مالی شرکت‌ها با استفاده از مدل مبتنی بر تابع تفکیکی خطی. مجله پژوهش‌های حسابداری مالی، سال دوم، شماره اول، صص. ۴۶-۳۳.
- پیغه، احمد و احمدزاده، حامد و عرب، لیلا. (۱۳۹۸)، بررسی اثر سوگیری قضاوتی مدیران بر ارتباط بین محافظه‌کاری حسابداری و اعتبار تجاری شرکت‌ها
- جبارزاده، سعید. (۱۳۹۴). «تبیین رابطه اخلاقیات و فرهنگ با محافظه‌کاری و مدیریت سود در نظام حسابداری ایران»، رساله دکتری حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.
- جهانخانی، علی و پاریسیان، علی. (۱۳۸۶). مدیریت مالی. جلد دوم. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت). چاپ یازدهم.
- ربیع زاده و محمد و محمدی، محمد. (۱۳۹۳). سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز و علل آشفتگی‌های مالی. ماهنامه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و خوارزم. شماره ۹، صص ۱۳-۱۱.
- رضائی، اکرم و غلامی جمکرانی، رضا و جهانگیرنیا، حسین، ۱۳۹۹، مسئولیت اجتماعی شرکت و تأمین اعتبار تجاری، ششمین کنفرانس ملی پژوهش‌های کاربردی در مدیریت، حسابداری و اقتصاد سالم در بانک، بورس و بیمه، تهران،
- سالار خیابانی، مرتضی و واحدیان، میثم و دلخوش، محمد، ۱۳۹۷، تاثیر بیش اعتمادی مدیریت بر رابطه اعتبار تجاری و محافظه‌کاری حسابداری با بحران مالی شرکت‌ها، کنفرانس ملی اندیشه‌های نوین و خلاق در مدیریت، حسابداری مطالعات حقوقی و اجتماعی، ارومیه
- شورورزی، محمدرضا و برزگر خاندوزی، عابدین. (۱۳۹۶). " نبود تقارن اطلاعاتی و نقش اطلاعاتی محافظه‌کاری"، فصلنامه حسابداری، تابستان، شماره ۲۱۰.
- صابرنوچمنی، زهرا. (۱۳۹۰). بررسی تاثیر اهرم بدهی عملیاتی بر بازده آتی حقوق صاحبان سهام شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک.
- صالحی، مهدی، عباس زاده، محمدرضا، احمدی، احمد. (۱۳۹۸). بررسی اثرات محافظه‌کاری شرطی و غیرشرطی بر رفتار سرمایه‌گذاری و بازدهی آتی شرکت‌ها. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۱۱(۴۲)، ۲۲-۱.
- غفوریان شاگردی، امیر و ندافی خلیل آباد، علی، ۱۳۹۶، ارتباط بین محافظه‌کاری شرطی در حسابداری و اعتبار تجاری، دومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت و حسابداری، تهران
- غلام زاده، مرجان، ۱۳۹۹، بررسی عوامل موثر بر نرخ بهره پس از بحران مالی سال ۲۰۰۸ در کشورهای منتخب توسعه یافته و در حال توسعه، اولین کنفرانس حسابداری و مدیریت،

فقیه زاده، سحرالسادات و میرزایی، حمیدرضا، ۱۳۹۸، درآمدی بر زنجیره ی تامین مالی، اعتبار تجاری و رتبه بندی مالی، دومین کنفرانس اقتصاد، مدیریت و حسابداری، شیروان، محمدپور، قاسم. (۱۳۹۸). رابطه بین نوسانات جریان نقد و اعتبار تجاری شرکت ها با تاکید بر حجم معاملات شرکت. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حسابداری، گروه علوم انسانی، مؤسسه آموزش عالی علم و فن آوری شمس.

مرادی، علی. (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین محافظه کاری حسابداری، سیاست پولی و اعتبار تجاری شرکت. پایان نامه کارشناسی ارشد. مؤسسه غیر انتفاعی البرز قزوین.

نادر، مرتضی. (۱۳۸۶). توسعه مالی، بحران های مالی و رشد اقتصادی، پژوهشکده پولی و بانکی.

یزدان خواه، الهه. (۱۳۹۸). رابطه بین رقابت در بازار محصول و اعتبار تجاری در شرایط بحران مالی. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حسابداری، مؤسسه آموزش عالی عطار.

Balakrishnan, K., Watts, R.L., Zuo, L., (2016). The effect of accounting conservatism on corporate investment during the global financial crisis. *J. Bus. Finance Account.* 43 (5 & 6), 513-542.

Basu, S. (1997). The conservatism principle and the asymmetric timeliness of earnings 1. *Journal of accounting and economics*, 24(1), 3-37.

Enomoto, Masahiro, (2020). The Effect of Corporate Governance on the Relationship between Accounting Quality and Trade Credit: Evidence from Japan. Research Institute for Economics and Business Administration, Kobe University, Japan.

Givoly, dan, Carla Hayn & Ashok Natarajan, (2017), measures reporting conservatism, *The Accounting Review*, vol. 82, pp. 65-106.

Gong, G., Luo, S., (2018). Lenders' experience with borrowers' major customers and the debt contracting demand for accounting conservatism. *Account. Rev.* 93 (5), 187-222.

Martinez-Sola, C., Garcia-Teruel, P.J., & Martinez-Solano, P. (2014). Trade credit and SME profitability. *Small Business Economics*, 42(3), 561-577.

Pae, J., Jung, J. H., & Yoo, C. Y. (2015). Do analysts treat winners and losers differently when forecasting earnings?. *International Journal of Forecasting*, 31(2), 531-549.

Watts, R. L. (2003). Conservatism in accounting part I: explanations and implications. *Accounting Horizons*, Vol. 17, No. 3, PP. 207-221.

Zhang, Y. (2020). Conditional conservatism and trade credit during the global financial crisis. *Journal of Accounting and Public Policy*, Vol. 39, Iss. 4, PP. 1-18.

Baker, H. K., Powell, G. E. & T. Veit (2002), "Revisiting Managerial Perspectives on Dividend Policy", *Journal of Economics & Finance*, Vol. 26, No. 3, PP. 230-205.